

فصلنامه پژوهشی - تخصصی شهرسازی و معماری هویت محیط

فصلنامه پژوهشی - تخصصی شهرسازی و معماری هویت محیط

دوره ۲، شماره ۶، بهار ۱۴۰۰

شاپا الکترونیکی: ۹۷۸۲-۲۷۱۶

<http://www.ei-journal.ir>

صص. ۲۰-۱

بررسی رابطه شهرهای اسلامی مرتبط با هویت شهری و حس تعلق شهروندان

(نمونه موردی میدان فلسطین، تهران)

سامان بیات ترک^۱، علی اتحادی، محمد عرفان نمکی

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، گروه شهرسازی، پردیس هنر های زیبا، دانشگاه تهران، ایران

Saman.bayat@ut.ac.ir

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Ettehad.U.A.R@gmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد منطقه ای، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران،

ایران. Me.namaki@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۳

[DOI:10.22034/JRUPA-EI.2021.287671.1079](https://doi.org/10.22034/JRUPA-EI.2021.287671.1079)

چکیده:

رویکردهایی که سعی در تعریف هویت واحد برای طراحی نما و منظر شهر دارند عملاً هویت شهر را که از برخورد چند هویت، سلیقه، ارزش و... به وجود می آید، با تعریف یک هویت واحد که در نهادهای دارای قدرت تعریف می شوند، تبدیل به شهر تک هویتی و یکسان می کند. هدف کلی که در این پروژه دنبال شد نشان دادن رابطه حس تعلق با عوامل و روابط اجتماعی و المان های شهر های اسلامی که فضا را شکل می دهند و بررسی ماهیت این روابط اجتماعی است. از این نظر جمعآوری اطلاعات بر پایه برداشت میدانی بر اساس پرسشنامه های مردمی است. از آن جهت که فقط یک محله در این پژوهش بررسی و بیش از دو متغییر برای سنجش انتخاب شده بود، برای انجام تحلیل این پژوهش ۴ گزینه موجود بود که شامل آنالیز کوواریانس، واریانس با اندازه گیریهای مکرر، رگرسیون چند متغییره و تحلیل عاملی میشدند که به وسیله نرم افزار Smart PLS تحلیل گردید. متغییر های مورد بررسی به دو دسته عوامل فردی و اجتماعی و عوامل ادراکی و بصری تقسیم بندی شده است. با تحلیل و بررسی نتایج بدست آمده می توان گفت که میزان ارتباط حس تعلق شهروندان ساکن در محدوده با المان های بصری موجود، پایین و با عوامل فردی و اجتماعی نظیر مشارکت در برنامه ریزی محله خود بالا می باشد.

واژگان کلیدی: هویت شهری، حس تعلق، مولفه های حس تعلق، حس مکان، شهرسازی اسلامی

نحوه استناد به مقاله:

بیات ترک، سامان، اتحادی، علی، نمکی، محمد عرفان. (۱۴۰۰). بررسی رابطه شهرهای اسلامی مرتبط با هویت شهری و حس تعلق شهروندان (نمونه موردی میدان فلسطین، تهران). فصلنامه پژوهشی - تخصصی شهرسازی و معماری هویت محیط، ۲(۶)، بهار ۱۴۰۰، ۲۰-۱.

http://www.ei-journal.ir/article_135483.html

یکی از علل عدم ایجاد حس تعلق در فضای شهری سعی در کنترل فضای شهری و تعریف هنجارها بدون توجه به شهروندان و تکثر دیدگاه آنان است که امتیاز خاصی به دیدگاه‌ها و هنجارهای گروهی از شهروندان نسبت به دیگران داده می‌شود. این یک نواختی و همسان‌سازی مانع پویایی شهرو تکرر فرهنگ‌ها و همینطور مانع ایجاد امکانات کافی برای شکل‌دهی به فضا توسط شهروندان می‌شود که باعث عدم ایجاد حس تعلق به فضا در نتیجه ظهور وندالیسم شهری و پیامدهای منفی دیگر می‌شود (yerli,ozgur:2018). از این رو برای شناخت این مشکل ابتدا باید فضا و سیاست‌های تولید آن را مطالعه کرد زیرا «هر شیوه‌ای از سازماندهی اجتماعی، محیطی را تولید می‌کند که پیامد روابط اجتماعی‌ای است که این شیوه سازماندهی اجتماعی در اختیار دارد» (گاتادینر، ۱۹۹۳:۱۵).

به طور کلی هر گروه یا طبقه‌ی اجتماعی بنا به جایگاهی که در هر صورت‌بندی اجتماعی اشغال می‌کند ایدئولوژی خاص خود را دارد. ایدئولوژی به معنی «تصویری از رابطه تخیلی افراد با شرایط واقعی هستی‌شان» است (آلتوسر، ۱۹۶۹:۳۵۲) که از نظر ساختاری و تاریخی تعیین شده و زیباشناسی، سلیقه، میل افراد و هویت آن‌ها را شکل می‌دهد. از این رو هویت شهری اساساً یک مفهوم مرکز زوده و دارای هویت‌های چندگانه است که هر هویت و ایدئولوژی، بنا به قدرتی که حاملان آن در ساختار جامعه دارند هویت خود را بر دیگر هویت‌ها تحمیل می‌کند. از این رو هیچ‌گاه نمی‌توان از "هویت ملی" یا "هویت ایرانی اسلامی" سخن گفت بدون اینکه تمام تضادها و تفاوت‌های درون مفهوم "ملت" یا گرایش‌های مختلف در خصوص مفهوم "دین" را نادیده گرفت و هویت آن‌ها را از فضا حذف کرد.

یکی از هویت‌هایی که در سال‌های اخیر به عنوان هویت شهرهای ایران مطرح شده هویت شهر ایرانی اسلامی یا شهر اسلامی است. «شهر اسلامی را باید یک ایدئولوژی دانست و یک کالبد نمی‌باشد بلکه نتیجه آن ایدئولوژی، کالبد می‌باشد» (سرور، رحیم، ۱۳۹۴:۱۳). از این رو شهر اسلامی به عنوان مصداقی از طرح کلی پژوهش انتخاب شده است. میدان فلسطین واقع در تهران به عنوان نمونه موردی این پژوهش استفاده شده است، زیرا که از عناصر ذکر شده در بالا از نظر کالبدی دارای مسجد جامع با کارکرد مذهبی، سیاسی و اجتماعی است و نمادها، نقاشی‌ها را دارا است و هویت کلی محدوده معیارهای شهر توحید و شهر هدایت را دارا می‌باشد از این رو این نمونه نمونه قابل قبولی برای این پروژه می‌باشد.

اهمیت این پژوهش از چند جهت است ابتدا لزوم پرداختن به عواملی که با هدایت فضای شهری را به سمت همگون کردن هویت‌ها مانع ایجاد حس تعلق در همه شهروندان می‌شوند. اهمیت بعدی لزوم نقد کنترل قدرت که سعی در محدود کردن امکانات شهری که مانع ایجاد شهرسازی انسان محور، دموکراتیک و شکل‌دهی شهر توسط همه‌ی شهروندان می‌شود. از این رو که فضا اساساً سیاسی است و نقد فضای شهری بدون نقد قدرت امکان پذیر نیست.

این پژوهش نشان می‌دهد چگونه استراتژی خاص در شهر سعی در همگون سازی فضای شهری و حذف هنجارها و دیگر فرهنگ‌های درون شهر و ایزوله کردن فضای شهری نسبت به فرهنگ‌های متفاوت و شکل متفاوتی از زندگی را دارد. هدف کلی که در این پروژه مد نظر است، نشان دادن رابطه حس تعلق با عوامل و روابط اجتماعی که فضا را شکل می‌دهند و همچنین بررسی ماهیت این روابط اجتماعی و قدرت شکل دهنده آن‌ها است. همینطور اهداف جزئی تری در طی این پژوهش مورد توجه می‌باشد، از جمله اینکه در ابتدا رابطه و میزان و اهمیت حس تعلق در رابطه با هویت و

مولفه های اسلامی فضا بدست آید و نهایتاً راهکار هایی برای افزایش حس تعلق بدون استفاده از طرح های هویت شهری واحد تعیین و تبیین گردد.

پس در ارتباط با مسئله ی مورد توجه این پژوهش که قصد دارد ارتباط بین شهرسازی اسلامی و حس تعلق مکان را تحلیل کند، سوالی که مشخصاً این پژوهش بایستی آن را روشن کند این است که سیاست های هویت شهری واحد مانند هویت اسلامی، آیا سبب کم رنگ شدن حس تعلق شهروندان می گردد و چگونه این امر در عمل پدیدار می شود؟

در پژوهش های پیشین عموماً به مشکلات ناشی از اجرای غلط سیاست های هویت شهری توجه می شد اما خود هویت واحد شهری مورد نقد قرار نمی گرفت و به رابطه آن با قدرت توجه نمی شد. اما در برخی پژوهش ها به بررسی رابطه حس تعلق و عوامل اجتماعی پرداخته بودند. اما بررسی رابطه تعیین هویت واحد شهری با از بین رفتن حس تعلق مورد بررسی قرار نگرفته بود. این پژوهش می تواند با بررسی و شناخت یکی از عوامل که در طراحی شهری مانع ایجاد حس تعلق در شهروندان می گردد، برای حرفه شهرسازی مفید واقع شود. پس در نتیجه سوال اساسی دیگری که این پژوهش سعی بر پاسخگویی به آن را دارد این است که چگونه می توان آلترناتیو و راهکاری برای حذف همسان سازی و تولید فضا بدون استفاده از طرح های کلان مانند هویت اسلامی توسط خود کنشگران پیدا کرد؟ که در انتهای این پژوهش به طور مفصل در مورد آن بحث خواهد شد و راه های افزایش میزان حس تعلق ریشه یابی می گردند.

۲- مبانی نظری

۲-۱- حس مکان

مکان به عنوان یک مفهوم و یک پدیده مرتبط با تجربه، توانایی زیادی برای ایجاد ارتباط بین خود، جامعه و زمین دارد و همچنین می تواند آنچه محلی و خاص است و آنچه منطقه ای و جهانی را به هم متصل کند. مکان یک مبنای صمیمی و خاصی برای ارتباط هر یک از ما با جهان و جهان با ماست. (مهدوی، ۱۳۹۱: ۱۲). همین ویژگی باعث تمایز «مکان» از «فضا» می شود، در حالی که فضا را گستره ای باز و قابل جهت یابی می بینیم، مکان بخشی از فضا است که به وسیله ی شخصی یا چیزی اشغال شده و دارای بار معنایی و ارزشی است. مکان، مفهومی بیش از یک خاستگاه یا موقعیت گاه دارد. مکان ها با معنی و احساسات بشری آمیخته اند و همین مفهوم، تفاوت میان فضا و مکان را مشخص می کند. فضا ریشه در موقعیت های واقعی دارد و به وسیله ی ابزار های ریاضی قابل توصیف است، ولی از دیدگاه رلف، رویدادی احساسی است که سبب تغییر فضا به مکان می شود و این نشان می دهد که ادراکات و احساسات ما از فضا در ذهن، مکانی دارند که در مواجهه با مکان واقعی بیرونی حکم تداعی کننده ها را بازی می کنند و سبب آشنایی و این همانی با مکان می شوند. کنش و خواست انسانی، معنی را به فضا مترتب می سازد و فضای خالی را به یک «مکان» تجربه شده تبدیل می کند و به همین ترتیب مکان می تواند بر انسان تأثیر متقابل گذارد. (فرج زاده، نوشین، ۱۳۹۴: ۱۱)

در بسیاری از ادبیات مرتبط با مکان، مفهوم مکان اغلب بر حس تعلق یا وابستگی احساسی به مکان تاکید دارد. (ناکس^۲ و پینچ^۳، ۲۰۰۹)

انسان از مکان های متفاوت تصویرهای متفاوتی در ذهن دارد. احساسات او می تواند بر روی ادراکاتش از محیط و شکل گیری تصویر ذهنی از مکان تأثیر گذار باشد. همین تصاویر ذهنی انسان هاست که به مکان هویت می دهد. علاوه بر ساختار کالبدی مکان، خاطرات افراد در هویت بخشیدن به مکان موثر است. (پرتوی، ۱۳۸۲: ۴۲)

دیوید کانتر برای مکان سه مولفه را نام می برد که شامل موارد زیر است:

۱- ویژگی های فیزیکی و کالبد (مهم ترین و ملموس ترین مولفه مکان)

۲- فعالیت

² Knox

³ Pinch

جدول ۲: تعریف مکان

تعریف مکان	اندیشمندان	
مکان‌ها اساساً همان چیزی‌اند که هستند و این به دلیل کیفیت‌های ذاتی موجود در محیط فیزیکی است و لذا مداخلات انسانی در مکان، زمانی بیش از همیشه موفق خواهد بود که بتواند در وهله اول، کاراکنتر اصلی مکان را بشناسد و پیرو آن، محیط‌های انسانی ایجاد نماید.	توربرگ شولتز	جهان
مکان را واحدی برای محیط بر می‌شمارد که مردم آن را در زندگی روزمره خود تجربه می‌کنند. تقارب شناخت‌ها، رفتار مردمی را که محیط را تجربه می‌کنند تحت تاثیر قرار می‌دهد.	دیوید کانتر	
مکان به خودی خود امری فراتر از یک واقعیت فیزیکی محض است، زیرا هم واقیت فیزیکی و هم تاریخی را در خود دارد.	روسی	
مکان جایی است که ما ادراک کامل از هستی و بودن خود داشته باشیم.	داوودی	ایران
مکان عنصر اصلی هویت ساکنان آن است، انسان با شناخت مکان می‌تواند به شناخت خود نائل شود.	حبیبی	
مکان مفهومی انتزاعی و ذهنی نیست بلکه نخستین فرارگاه ارتباط مستقیم با جهان و محل زندگی انسان است، به همین دلیل سرشار از معنا، واقیت‌های کالبدی و تجربه‌های انسانی بوده و روابط عاطفی عمیقی با انسان برقرار می‌کند. مکان محل وقوع رخدادهاست، داشتن مکانی مشترک به معنای داشتن هویت مشترک است، یعنی متعلق به یک گروه بودن.	میرمقتدایی	

ماخذ: فرج‌زاده، نوشین، ۱۳۹۴: ۱۱

۲-۲-۲- هویت

در فرهنگ معین «هویت» به عنوان آنچه که موجب شناسایی شخص باشد و باعث تمایز یک فرد از فرد دیگر شود تعریف شده. (نوفل و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۸). فرهنگ عمید «هویت» را حقیقت شیء یا شخص می‌داند که مشتمل بر صفات جوهری اوست. (نوفل و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۸). معمولاً هویت احساس تعلق خاطر به مجموعه‌ای مادی و معنوی است که عناصر آن از قبل شکل گرفته‌اند. (نوفل و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۸)

به عقیده «گیدنز» هویت در واقع همان چیزی است که فرد به آن آگاهی دارد. به عبارت دیگر، هویت شخص چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تعویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به طور مداوم و روزمره ایجاد کند. (ایمانیان، مهدی، ۱۳۹۰: ۹).

۲-۲-۱- هویت شهری

طبق تعریف قبل از هویت، هویت شهری شامل احساس حس تعلق به کالبد و عناصر شهر است به همین دلیل هویت در شهر به واسطه ایجاد و تداعی «خاطرات عمومی» در شهروندان، تعلق خاطر را نزد آنان فراهم کرده و شهرنشینان را به سوی «شهروند شدن» که گستره‌ای فعال‌تر از ساکن شدن صرف دارد هدایت می‌کند. (نوفل^۴ و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۸). از طرف دیگر مکان به عنوان یک مجموعه دارای پتانسیل کمک به روندی است که در آن افراد حس مکان، تعلق و هویت را توسعه می‌دهند و آنها را حفظ می‌نمایند. مکان در مرکز جهان یا دنیای اجتماعی قرار دارد. مکان‌ها هنگامی که در برهم کنش‌های انسان با محیط زیست خود مطرح هستند، شکل می‌گیرند و یا از فضاها ساخته می‌شوند. (فرج‌زاده، نوشین، ۱۳۹۴: ۱۲)

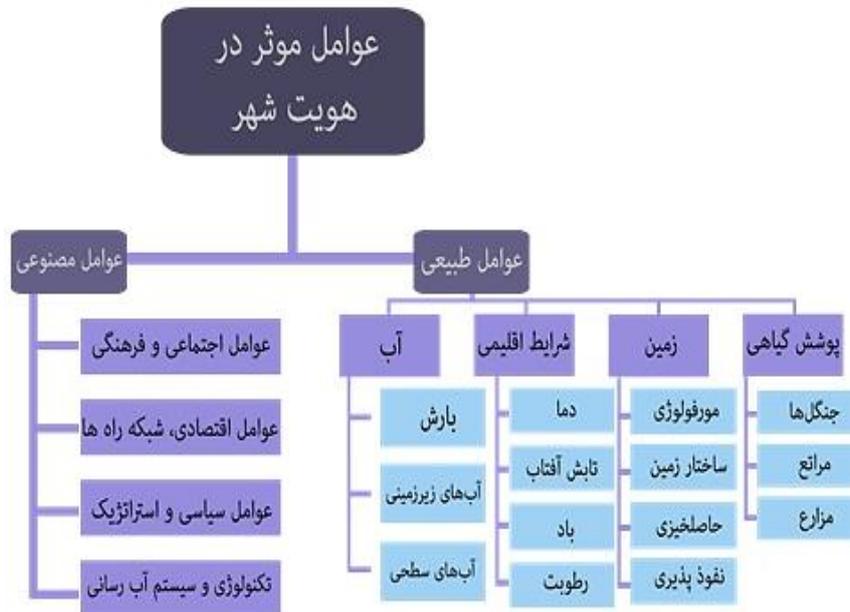
۲-۲-۲- عوامل هویت بخش شهری

«برای شناخت هویت یک شهر باید مولفه‌های سازنده شخصیت آن را شناخت. مولفه‌های شخصیت یک شهر، همانند مولفه‌های شخصیتی انسان دارای دو بعد عینی یا کالبدی و ذهنی یا روحی است که می‌تواند از طریق سه محیط طبیعی (شامل ممتغیرهایی چون کوه، دشت، رود، تپه ماهور و ...)، مصنوع (شامل ممتغیرهایی چون تک بناها، بلوک شهری، محله، راه، خیابان، میدان و ...) و انسانی (دین، زبان، آداب و رسوم و ...) از همدیگر تفکیک گردند.» (بهبادفر، ۱۳۸۷: ۵۴). طبق

⁴ Nofel

تعاریف بالا هویت مکان از طرفی شهر را از غیر خود متمایز می‌کند و از طرفی این تمایز را در یک کل انداموار که حاصل از برهم‌کنش عوامل مختلف مادی و فرهنگی به وجود می‌آورد. شناخت هویت شهر بایستی برپایه مولف‌های تشکیل دهنده شخصیت آن فضا شناسایی شود که این مولفه‌ها شامل سه گروه طبیعی، مصنوعی و انسانی می‌شوند. (نوفل و همکاران، ۵۹:۱۳۸۸)

نمودار شماره ۱، عوامل موثر در سیما و هویت شهر



ماخذ: فرجامی، ۵۳:۱۳۸۳

۲-۳- تعریف و عوامل شکل دهنده حس تعلق

۲-۳-۱- حس تعلق

در واژه شناسی لغت نامه دهخدا تعلق خاطر را علاقه داشتن، عشق به چیزی داشتن و میل به کسی داشتن معنی می‌کند و از نظر ابن خلدون^۵ (۷۲، ۱۳۵۹) تعلق خاطر داشتن را معادل تعصب تعریف می‌کند. حس تعلق که به منظور بهره مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش مهمی ایفا می‌کند به گونه‌ای به پیوند فرد با بافت منجر می‌شود، در این صورت انسان خود را جزئی از بافت می‌داند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت، نقشی برای بافت در ذهن خود متصور می‌سازد، این نقش نزد او منحصر به فرد بوده و در نتیجه مکان برای او مهم و قابل احترام می‌شود. در این حالت است که می‌توان در دمیدن روح تازه به بافت از آن بهره جست و فضا را کیفیت بخشید و زیبایی آن را درک کرد. در کل باید در نظر داشت که اعلی‌ترین مرحله رابطه انسان و فضا، حس تعهد و تعلق شخص نسبت به فضاست. این حس از دو عامل مؤثر فضا و انسان به صورت توأمان ساخته شده و تغییرات هر کدام در میزان تعلق مؤثر است. در حوزه روانشناسی و بر اساس نظریه گشتالت ما میل داریم واحدهای بصری نزدیک به هم را روی سطح تصویر یکی ببینیم. به همین منظور تجدید خاطرات و ایجاد تعلق، به نوعی حس تقرب را که یکی از ابعاد نظریه گشتالت است، در زیبایی یک بافت تداعی می‌کند. در این ارتباط، نگاه بومی ما در حوزه شهرسازی با همین رویکرد است و به قول پاکزاد: «ما می‌خواهیم با حفظ خاطره‌های گذشته در حال زندگی کنیم و برای آینده خویش تدابیری بیندیشیم. ما خواستار اصالت، امنیت و خواهان زندگی در محیط‌هایی هستیم که در عین راحتی و انسانی بودن، دارای عناصر و اجزای زیبایی نیز باشد» (پاکزاد، ۴۵، ۱۳۷۵) از نگاه پدیدارشناسان در علوم رفتاری از بین رفتن حس تعلق، جدایی افراد از یک دیگر و کمبود تعاملات اجتماعی نتیجه دید مدرن به فضاست؛ چنانچه به گفته شولتز بسیاری از مردم احساس می‌کنند که زندگی آن‌ها «بی معنا» است و از «خود بیگانه» شده‌اند. کاهش میزان تعلق انسان به فضا منجر به تغییر در بنیان‌های روابط انسانی می‌شود و در صورت ادامه این روند،

⁵ Ibn Khaldun

انسان صورت مدنی خود را از دست خواهد داد (شولتز، ۱۳۸۱، ۲۵) و چنین برداشت می شود که قدرت تشخیص نشانه ها و نمادهای یک مکان اغلب کوچک ترین و کم ترین پیش نیاز برای پرورش حس تعلق و وابستگی در یک اجتماع است که می تواند زمینه ساز محیطی زیبا در یک بافت شود. ولی امروزه در نگاه شهرسازی معاصر رابطه انسان و فضا به انگاره ای مادی تقلیل یافته است و فضاهای عمومی تنها به مثابه فضایی برای تردد و حمل و نقل و نه جز این تنزل یافته اند و با این تعریف برخی بر این باورند که انسان ادراک خود را از فضاهای گذشته از دست داده است، لذا دقت و بازنگری در رابطه انسان منجر شود که این خود به زیبا بودن هر چه بیشتر فضاها می افزاید. (توسلی و بنیادی، ۱۳۸۶)

۲-۳-۲- عوامل ادراکی - شناختی فردی

حس تعلق ترکیبی پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت های محیطی است که شخص یا گروه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از یک مکان خاص ادراک می کنند. این معنا که عمدتاً بر پایه ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار دارد، در طراحی به صورت نمود کالبدی خود را نمایان می سازد. شناخت و ادراک فرد از یک مکان از شروط اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان می باشد، بدین منظور محیط های با خوانایی و تمایز کالبدی برای استفاده کنندگان جزء محیط های مطلوب بوده و ادراک و شناخت بهتری از سوی افراد در آن صورت می گیرد. عوامل کالبدی همچون مشخص نمودن حرایم، حدود مالکیت، و همسایگی ها از مهمترین عوامل ادراک مناسب انسانی از محیط می باشد که فرد بر اساس شایستگی ها و انگیزش های خود به کنکاش و تجربه از محیط می پردازد. (فروزنده، مطلبی، ۱۳۸۹: ۳۳)

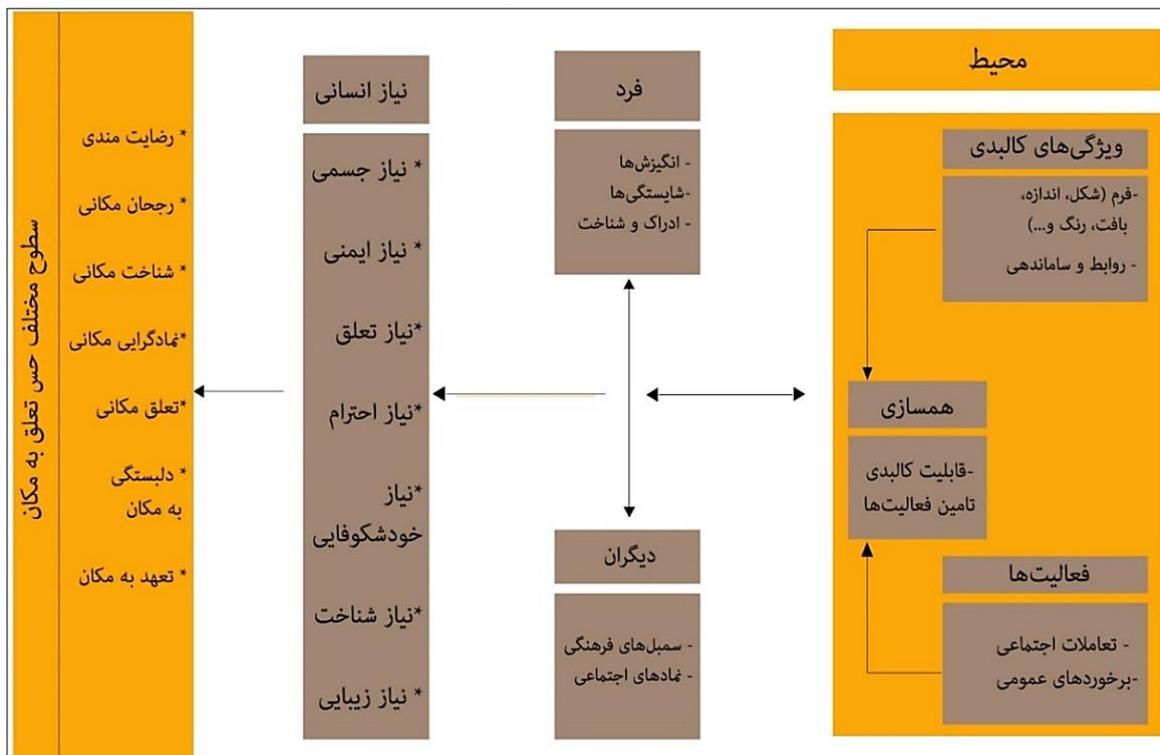
۲-۳-۳- عوامل اجتماعی

به همان نسبت که عوامل ادراکی - شناختی فردی در شکل گیری حس تعلق به عنوان گام اولیه در این مسیر می باشد، نقل متغیرهای اجتماعی نظیر فرهنگ، نمادها و نشانه های اجتماعی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است، به طوریکه تا قبل از سال ۱۹۷۸ عمده پژوهش ها صورت گرفته بر نقش عوامل اجتماعی در شکل گیری این حس پرداخته بوده او متغیرهای کالبدی جایگاهی در پژوهش نداشتند. محققینی همچون راپاپورت ، پروشانسکی ، ریجرو لاواراکاس با پژوهش های خود بر نقش عوامل کالبدی تاکید نموده، اما اشاره داشته اند که آنچه محیط کالبدی را به عنوان بستر تعامل اجتماعی بیان می کند، دراصل نمادها و سمبل های محیطی مشترک اجتماعی از یک طرف و از طرف دیگر قابلیت محیطی در تامین و گسترش این بعد از نیازهای انسانی است. در اصل همه انسان ها دارای نیاز اجتماعی هستند و در هرم نیازهای انسانی در جستجوی تعلق به خویشاوندان و دوستان می باشند. در این مرتبه از حس تعلق، محیط به عنوان بستر فعالیت های اجتماعی و فرهنگی است که افراد، عناصر کالبدی را براساس ادراک و نظام ساختار شناختی خود کشف ، تفسیر و تعبیر می کنند و در اصطلاح انسان ها به صورت جمعی از محیط رمزگشایی می کنند. در این دسته از عوامل، عناصر کالبدی نظیر فرم ها شامل اشکال، بافت و رنگ منبعث از لایه های اجتماعی محیط نقش ارتباطی با استفاده کنندگان ایفاء می نمایند که هر یک بر اساس داده های فرهنگی در طول تاریخ معماری محیط، به دست آمده و حاوی معنای خاص خود می باشند. (فروزنده، مطلبی، ۱۳۸۹: ۳۳)

۲-۳-۴- عوامل محیطی - کالبدی

این دسته از عوامل براساس نظریه مکان - رفتار در روانشناسی محیطی، به دسته بندی محیط به دو عامل مهم فعالیت و کالبد می پردازند. فعالیت های حاکم در یک محیط را براساس عوامل اجتماعی، کنش ها و تعاملات عمومی انسان ها تعریف می کنند و کالبد را به همراه متغیرهای فرم و ساماندهی اجزاء، به عنوان مهم ترین عوامل در شکل گیری حس تعلق محیط ارزیابی می نماید. عناصر کالبدی از طریق ایجاد تمایز محیطی، ارتباط درون و بیرون در فضاها به ایجاد حس تعلق می پردازند. شکل، اندازه، رنگ، بافت و مقیاس به عنوان ویژگی های فرم هر یک نقش موثر در شکل گیری حس تعلق داشته و نوع ساماندهی و چیدمان اجزاء کالبدی نیز عامل موثر دیگر می باشد. از سوی دیگر عناصر کالبدی از طریق هم سازی و قابلیت تامین نیازهای انسان در مکان در ایجاد حس تعلق موثر می باشند. در طراحی، هر یک از متغیرهای رنگ، شکل، بافت، مقیاس و نوع ساماندهی براساس نیازهای انسانی و تامین نوع فعالیت مورد نظر در فضاها از اهمیت خاص برخوردار می شوند که بیانگر قابلیت محیطی است که فرم عملکرد را شکوفا می کند. (فروزنده، مطلبی، ۱۳۸۹: ۳۳)

نمودار شماره ۲: مدل عوامل تاثیر گذار محیطی در شکل گیری حس تعلق



ماخذ: فروزنده، مطلبی، ۱۳۸۹: ۲۴

۲-۴- رابطه حس تعلق با هویت

فضا زمانی برای ما دارای هویت خواهد بود که از طرفی بتوانیم آن را موجودی مستقل و عینی تلقی کرده و از طرف دیگر خود نیز به عنوان موجودی عینی در آن فعالیت و رفتار نموده و بالاخره بتوانیم ذهنیات ناشی از ادراک آن را با ذهنیات خود تطبیق دهیم. هویت مکانی بخشی از زیرساخت هویت فردی انسان و حاصل شناخت های عمومی او درباره جهان فیزیکی است که انسان در آن زندگی می کند. این شناخت ها شامل خاطرات، ایده ها، احساسات، دیدگاه ها، ارزش های ترجیحات، مفاهیم و ایده آل های رفتاری و تجربی انسان در رابطه با محیط های متنوع و پیچیده فیزیکی است که فضای تجربی انسان اعم از ادراک و رفتار را به وجود می آورد. تعلق مکانی تا حدود زیادی با هویت مکانی ارتباط تنگاتنگ دارد. در شکل گیری هویت مکانی دو مرحله وجود دارد. در مرحله نخست فرد محیط را شناسایی می کند که هویت مکان نامیده می شود.

در مرحله دوم فرآیند پیوند روانی با مکان صورت می گیرد و به شکل هویت مکانی تداوم می یابد. ارزیابی مثبت از محیط و کیفیت شهر بر عمق شناسایی شخص از محیط و هویت مکانی او اثر می گذارد. توجه به هویت فضاها و مناطق شهری امروزه از اهمیت فراوانی در طراحی شهری برخوردار است. شناسایی میزان ادراک مردم از هویت محلات شهری و بررسی نظرات آنان در مورد ارزش هویت شهری می تواند در طراحی فضاهای شهری مورد استفاده قرار گیرد. از آنجایی که هویت محل غالباً زاینده خصوصیات فرهنگی، بومی، اقلیمی و تاریخی آن است و در طول زمان شکل می گیرد، تدریجاً معانی محیط و ارزش های زیباشناسانه آن در اذهان نقش می بندد. چنانچه بعضی از عناصر محیط نقش مثبتی را در هویت بخشی دارا باشد به افزایش حس تعلق اهالی کمک می کند. به این ترتیب هویت یک ناحیه شهری به مرور برای مردم ملموس خواهد شد و عناصر دخیل در شکل گیری آن قابل ردیابی خواهد بود. به عقیده الکساندر، هویت در محیط هنگامی تجلی می کند که ارتباط طبیعی و منطقی بین فرد و محیط وی حاصل شده باشد. وی معتقد است که بین فرد و محیط زندگی اش ارتباط و احساس تعلق خاطر به وجود نخواهد آمد مگر آنکه قادر به شناخت عمیق محیط و تشخیص آن بوده و توان درک تمایز آن نسبت به محیط های دیگر را نیز داشته باشد و بداند در چه زمانی و به چه صورتی پاسخ مناسبی به کنش های انجام یافته در آن

محیط بدهد (قرایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶). از این رو تعلق داشتن به عنوان حالت ذهنی ناشی از انطباق عینی هویت فرد/شهروند با هویت محیط شهر است.

۲-۵- شهرسازی در دوران اسلامی

شهر دوران اسلامی دیگر مانند شهر دوران ساسانی «شهر-قدرت» و بیانگر حکومت مرکزی نیست، این شهر نسبت به محیط پیرامونش امتیاز خاصی را ندارد و در قوانین اسلامی امتیاز استثنایی‌ای برای مردمان وجود ندارد، در این مکان فقط «امت» یعنی «اجتماع مومنان»، صرف نظر از محل استقرار آن‌ها و فقط با این ویژگی که به جهان بینی اسلام اعتقاد دارند و در راه آن جهاد می‌کنند نسبت به دیگران دارای امتیازات خاصی هستند. شهروندان در شهرهای اسلامی مانند روستایی و ایلداری معتقد به جهان بینی اسلامی، فقط فرمانبردار احکام اسلامی، امام، خلیفه و یا نمایندگان آن‌ها هستند و به این دلیل تفاوت بین شهر و ده نه در ارزش گذاری یا سرمایه اجتماعی، که در موقعیت کالبدی آن‌ها بود. شهرسازی در دوران اسلامی بیش از هر چیز یک قلعه ایمان است و از نظر مقررات تابع مقررات شریعت هستند و این مقررات هستی شهر را می‌سازند. (حبیبی، ۱۳۹۶: ۴۰).

از این رو شهر اسلامی نه تنها تابع قوانین شریعت، بلکه به تبع آن با سیاسی بودن شریعت، خود تابع ساختار سیاسی با عملکرد سیاسی نیز می‌شود. در این مرحله امر دینی، سیاسی، اجتماعی از هم مجزا نیستند و فهم و همچنین عملکرد هر یک مستلزم شناخت پیوندش و حتی اینهمانی آن با دیگر موارد است. به همین دلیل شهر اسلامی یا «مدینه» جایی است که در آنجا «عدالت» به اجرا در می‌آید. مدینه مقر دولت یا نمایندگان حکومت است، مدینه سکونت گاهی است که وظایف مذهبی و آرمان‌های سیاسی-اجتماعی دولت اسلامی در آن تحقق می‌یابد. با این مفهوم است که وجود شهر برای دولت اسلامی به عنوان یک ضرورت تلقی می‌گردد. در شهر است که وظایف و آرمان‌های دولت اسلامی تبلور می‌یابد، در شهر است که امکان تحقق فرامین و اجرای مقررات صادره از سوی دولت اسلامی فراهم می‌آید. (حبیبی، ۱۳۹۶: ۴۱)

۲-۵-۱- عوامل مشخصه شهر در دوره اسلامی

شهرهای دوره اسلامی از نظر عوامل اصلی و کالبدی به سه عامل تقسیم می‌شوند: الف) مساجد ب) بازار ج) محله

الف) مسجد

از آنجا که مسجد مکانی است که در آن نماز جماعت و نماز جمعه به عنوان بیان‌کننده وظایف و آرمان‌های دولت اسلامی به انجام می‌رسند، به یکی از مشخصات اصلی شهر دوره اسلامی تبدیل می‌گردد. نخستین مکانی که به هنگام فتح یک شهر ساخته می‌شد مسجد جامع بود یا معابد، آتشگاه یا کلیساهایی که تغییر شکل می‌دادند.

ب) بازار

استقرار دولت اسلامی و تسلط آن بر کشورهای با قوانین و مقررات تجاری گسترده، سبب می‌گردد تا این دولت از سویی از همه این مقررات و قوانین بهره‌بردار و از سوی دیگر آن را با موازین شرعی هماهنگ کند.

ج) محله

علی‌رغم آنکه در بدو تشکیل دولت اسلامی ایجاد هرگونه قشربندی بر مبنای قوم، نژاد، سنت و... نفی می‌گردد به هنگام تشکیل امپراطوری متمرکز و سپس غیر متمرکز اسلامی، رجوع به سازمان اجتماعی کهن شهری در سرزمین‌های مفتوحه به سرعت انجام می‌پذیرد. گو اینکه دیگر از تشکیل محلات برحسب نظام کاستی یا شهروندی خاص خبری نیست ولی در مقابل با ایجاد محلاتی برحسب قوم و قبیله‌ای مذهب، زبان، فرقه و... مواجه هستیم. (حبیبی، ۱۳۹۶: ۴۱)

۲-۵-۲- رابطه ی اصول و معیار های اسلامی موثر در ایجاد حس مکان و تعلق (هویت) در شهر ها

این اصول و معیارها در دو گروه طبیعی و مصنوع دسته بندی می شوند: در اولین برخورد با شهر، وجهی قابل ادراک است که با حواس پنجگانه به راحتی قابل تشخیص و بازشناسی است و اولین تفاوت میان دو شهر از طریق همین ظاهر معین می گردد. عناصر مصنوع هر شهر به صورت کالبدی و ساختاری در لایه های مختلف زمان در شهر متبلور شده و منظر عمومی یک شهر را شکل داده اند و داستان رشد و حیات یک شهر را می توان از شناسایی این عناصر شنید و خواند. کیومرث مسعودی پژوهشگر و جامعه شناس شهری معتقد است «اگر در مورد هویت یک شهر صحبت می کنیم، در واقع منظور یک

نظام یافتگی ساختاری و کاربردی در شهر و یک انتظام در معماری ساختمان های آن شهر است. «همچنین تصویر ذهنی و خاطره به یاد مانده از یک شهر می تواند شامل عناصر طبیعی و بستر جغرافیای مکانی آن باشد که اغلب به عنوان میراث طبیعی در نظر عامه مردم خود نمایی می کنند. چنین مولفه ای یک فرصت و یک امتیاز منحصر به فرد برای تشخیص و حس مکان فضاست. برج میلاد در تهران، سقف شیروانی در شمال کشور و گنبد های بام در کویر و... مثال هایی از عناصر مصنوع هویت بخش شهرهای ما هستند.

دستیابی به هویت اسلامی اگر بخواهد با قانون و ضابطه شکل گیرد و بخواهد با استناد به مفاهیمی چون خوانایی، تمایز با غیر، تشابه با خود، تداوم در عین تحول، وحدت و... شکل بگیرد، شاید ماکت زیبایی از شهرهای اسلامی منطبق با ذهنیت سیاحان یا مطابق کاشان و یزد دوره قاجار ارائه دهد، اما ممکن است اشتباهی را مرتکب شود که منشور آتن متوجه آن بود. (معماران و شهرسازان تصمیم بگیرند تا مردم چگونه زندگی کنند). اما اگر وحدت فکری منطبق با مبانی نظری و حکمت اسلامی در ذهنیت و عمل تمام افراد جامعه (بالاخص عامه مردم) حاکم شود (این امر نیازمند زیرساخت های فرهنگی است) و معماران و شهرسازان، ساختار کالبدی شهر را منطبق با نیازهای مسلمین، نمادها و نشانه ها، زیبایی، فعالیت های انسانی و زندگی اجتماعی مسلمانان ساخته و طراحی کنند، شهر اسلامی معنا پیدا می کند. برای بررسی شهر اسلامی پذیرفتن پیش فرض «اسلامی بودن شهر معاصر در امپراتوری اسلام» ضروری است.

به عنوان مثال تهران، تبریز، اصفهان و... را می توان به عنوان شهر اسلامی پذیرفت و سعی کرد تا آن شهرها را هر چه بیشتر صورت و سیرتی اسلامی بخشید (می توان به مولفه های شکل دهنده حس مکان از دیدگاه اسلامی پرداخته و سپس در شهر معاصر مورد سنجش و بررسی قرار داد. نتایج حاضر از موضوع یاد شده امری است که در تحقق هویت اسلامی در شهرهای معاصر مفید واقع خواهد شد. با توجه به موارد یادشده، حس مکان اسلامی و مولفه های شکل دهنده به آن در موارد زیر مورد بررسی واقع می گردد.

- برآورده شدن نیازهای مسلمانان و رضایت مندی از مکان
- حس اجتماع از دیدگاه اسلامی
- فعالیت های انسان مسلمان
- زیبایی شناسی اسلامی
- نمادها و نشانه های شهر اسلامی
- تشخیص مکان اسلامی

۳- پیشینه پژوهش

جدول ۱: پیشینه پژوهش

نام پژوهشگر	سال انتشار	عنوان	نوع رویکرد و نتیجه
علی جوان فروزنده قاسم مطلبی	۱۳۹۰	مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن	<ul style="list-style-type: none"> • بررسی رابطه حس تعلق و محیط اجتماعی افراد که عوامل شکل دهنده آن در ابعاد اجتماعی، ادارکی فردی و محیطی کالبدی خلاصه میشوند. که معتقد به غلبه بعد اجتماعی بر دیگر ابعاد است. (مطلبی، ۱۳۹۳)
میثم سبز علیزاده اسلام کرمی محمود عینی	۱۳۹۶	تجزیه و تحلیل حس تعلق به محل و ارتباط آن در هویت شهری در مناطق جدید و مناطق قدیمی	<ul style="list-style-type: none"> • اندازه گیری و تحلیل رابطه بین شاخص های هویت و موقعیت مربوط به ساکنان و بررسی عناصر شناسایی و بررسی رابطه حس تعلق و هویت. • پیبردن به عدم کفایت وجود صرف ساختمان های مدرن در تشکیل حس تعلق شهروندان • نیاز به بازگشت به هویت تاریخی

<ul style="list-style-type: none"> • بررسی نقش هویت با محل زندگی در شهر • بررسی نقش جهانی شدن بر هویت‌های منطقه‌ای • قوی‌تر بودن هویت‌های محلی نسبت به هویت‌های جهانی (Inglis,2010) 	<p>هویت محلی، هویت و حس مکان در ایرلند در حال حاضر</p>	<p>-----</p>	<p>Tom Inglis</p>
<ul style="list-style-type: none"> • بررسی حس تعلق و نمادها و هویت‌ها در محله • بررسی عناصر معنا دار محله و حس تعلق • نقش مثبت ایجاد سرگرمی و برنامه‌های فرهنگی در افزایش حس تعلق در محله (رضویان، ۱۳۹۳) 	<p>ارزیابی هویت محله‌های شهری با سنجش حس تعلق به مکان</p>	<p>۱۳۹۳</p>	<p>محمد تقی رضویان عبدالحمید محمدی مجتبی برغمدی محمد کاظم شمس‌پویا</p>
<ul style="list-style-type: none"> • در این مقاله ، ضمن اتخاذ رویکردی تاریخی - تفسیری و استفاده مشترک از روش منطقی استدلال و مبتنی بر متون مستند دینی ، این ادعا اثبات خواهد شد. • این مقاله این اصل اساسی را مطرح می کند که اسلام به عنوان یک مکتب فکری و عقیدتی واقعیت های مفهومی خاصی را در حوزه هنر ارائه کرده است که در ایده ها و آرمان های هنرمندان و معماران منعکس می شود 	<p>Realization Of Islamic Identity In Architectural Works</p>	<p>۲۰۱۲</p>	<p>Noghrekar, Ablohamid&, Manan Raesi Mohamad</p>
<ul style="list-style-type: none"> • یکی از یافته ها نشان می دهد که اجرای طاق در ساختمان های جدید که با هویت قبلی مغایرت دارد ، در حفظ ارزش های معماری تاریخی آن تعارض ایجاد می کند. • در مالزی ، کوتا بهارو ، پایتخت کلانتان ، معروف به "یک شهر فرهنگی" (بر اساس فرهنگ بومی کلانتانای کلانتان) با معضل تغییر هویت خود به یک شهر اسلامی روبرو است. 	<p>The Changing Image and Identity Of KOTA BHARU, KELANTAN, MALAYSIA: From Cultural City To Islamic City</p>	<p>۲۰۱۱</p>	<p>Siti Norlizaiha Harun, Zuraini Md Ali, Rodiah Zawawi</p>
<ul style="list-style-type: none"> • روش تحقیق از نظر ماهیت توصیفی - تحلیلی با هدف عملی بود. • از آنجا که هویت اسلامی در محله های شهرهای اسلامی با کاربری مذهبی (مسجد) مرتبط است ، طراحی محله های جدید بر اساس این کاربری باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. 	<p>Expression of Islamic identity in the design of new neighborhoods on the basis of Islamic components Case Study: West Emamieh neighborhood of Mashhad</p>	<p>۲۰۱۵</p>	<p>Rahnama & et al</p>
<ul style="list-style-type: none"> • تعیین نقش و موقعیت مسجد به عنوان یکی از عوامل مهم در تعیین ابعاد کالبدی و همچنین تأمین بسیاری از نیازهای اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی بخش های مسکونی 	<p>The proposed model neighborhoods, and public spaces required by the central mosque in the city of Iranian-Islamic</p>	<p>۲۰۱۲</p>	<p>Pourjafar & et al</p>
<ul style="list-style-type: none"> • روش تحقیق توصیفی تحلیلی است و داده های جمع آوری شده با پرسش توسط نرم افزار SPSS توصیف شده است و ضریب همبستگی پیرسون آلفای کرونباخ در این سوال ۰.۸۴ از ۱۰۰ است و چون بیش از ۰.۷ است ، نشان می دهد نتایج پایایی میزان 	<p>The analysis of sense of belonging to place and its relation within urban identity in new districts and old districts (sample case: naderi district of Ardabil, uchdockan district of Ardabil)</p>	<p>۲۰۱۶</p>	<p>Sabz Alizade</p>

عوامل هویتی در مناطق نادری بسیار کم و در اوچدوکان زیاد است. این به دلیل وجود عناصر مشخص مانند مسجد و محل اجتماعات عمومی است.			
--	--	--	--

(مأخذ: نگارنده گان؛ ۱۴۰۰)

۴- روش پژوهش

در این پژوهش بیشتر بر رابطه شهروندان و فضای شهری و رابطه آن‌ها با مدیریت فضای شهری تمرکز می‌شود از این نظر جمع‌آوری اطلاعات بر پایه پرسشنامه‌های مردمی است. از آن جهت که فقط یک محله در این پژوهش بررسی و بیش از دو متغیر برای سنجش انتخاب شده بود، برای انجام این پژوهش ۴ گزینه موجود بود که شامل آنالیز کوواریانس، واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر، رگرسیون چند متغیره و تحلیل عاملی می‌شدند. آنالیز کوواریانس برای حذف متغیرهای مداخله‌گر در فرآیند انجام پژوهش است که با توجه به سوالات پرسشنامه و موضوع پژوهش نیازی به تعریف و حذف متغیرهای مداخله‌گر نبود و دخالت تمام آن‌ها در نتیجه ضروری بود، واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر برای زمانی است که هدف مطالعه بررسی یک موضوع در دو زمان مختلف و مطالعه تغییرات آن است که این روش نیز با موضوع و هدف پژوهش همخوانی نداشت. بین دو روش باقی‌مانده یعنی رگرسیون چند متغیره و تحلیل عاملی، تحلیل عاملی به عنوان روش اجرای پژوهش انتخاب شد زیرا از نظر فرآیند تحلیل و نتیجه‌گیری برای این پژوهش روشی ساده‌تر و بهینه‌تری نسبت به رگرسیون چند متغیره به حساب می‌آید.

تحلیل عاملی نیز خود شامل دو نوع است، تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی، تحلیل عاملی اکتشافی برای زمانی است که رابطه متغیرها از قبل نامعلوم باشد و سعی شود با استفاده از این روش رابطه آن‌ها مشخص شود و تحلیل عاملی تاییدی برای زمانی است که رابطه متغیرها از قبل در یک قضاوت قبلی در قالب فرضیه یا سوال مطرح شده و با این روش سعی در رسیدن به رد و تایید یا پاسخ می‌شود. از این رو که در این پژوهش، سوالات و فرضیات قبلی وجود دارد، نتیجه پژوهش بایستی، رد یا تایید فرضیات را با خود همراه داشته باشد، به همین خاطر از روش تحلیل عاملی تاییدی استفاده گردید. در این پژوهش ۹۳ عدد پرسشنامه (حجم نمونه) از ساکنین محله میدان فلسطین و این پرسشنامه‌ها از افراد هجده سال به بالا تهیه شده است.

مدل سازی معادلات ساختاری تا این زمان، با دو نسل روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها معرفی شده است. نسل اول روش‌های مدل سازی معادلات ساختاری روش‌های کوواریانس محور هستند که هدف اصلی این روش‌ها تایید مدل بوده و برای کار به نمونه‌هایی با حجم بالا نیاز دارند. نرم افزارهای LISREL، AMOS، EQS و MPLUS چهار عدد از پرکاربردترین نرم افزارهای این نسل هستند. چند سال پس از معرفی روش کوواریانس محور، به دلیل نقاط ضعفی که در این روش وجود داشت، نسل دوم روش‌های معادلات ساختاری که مولفه محور بودند، معرفی شدند. روش‌های مولفه محور که بعداً به روش حداقل مربعات جزئی تغییر نام دادند، برای تحلیل داده‌ها روش‌های متفاوتی نسبت به نسل اول ارائه دادند. پس از معرفی روش حداقل مربعات جزئی، این روش از علاقه‌مندان بسیاری برخوردار شد و پژوهشگران متعددی تمایل به استفاده از این روش پیدا کردند. مهمترین نرم افزار برای این روش Smart PLS می‌باشد. مهمترین دلیل، برتری این روش برای نمونه‌های کوچک ذکر شده است. دلیل بعدی داده‌های غیرنرمال است که محققین و پژوهشگران در برخی پژوهش‌ها با آن سر و کار دارند در نهایت دلیل آخر استفاده از روش پی ال اس (PLS)، روبرون شدن با مدل‌های اندازه‌گیری سازنده است. به دلیل اینکه تعداد پرسشنامه‌ها کمتر از ۲۰۰ عدد (طبق فرمول کوکران ۹۳ عدد پرسشنامه لازم می‌باشد) بود، به جای نرم افزار lisrel از نرم افزار SmartPLS برای انجام تحلیل استفاده شد. به طور کلی ۹ سوال مستقیم در پرسشنامه مطرح شد که پنج سوال مربوط به عوامل فردی و اجتماعی افراد، دو سوال مربوط به عوامل ادراکی و بصری و دو سوال مستقیماً مربوط به نظر افراد در مورد حس تعلق خود به میدان فلسطین بود. از آنجا که عوامل ادراکی و بصری و عوامل فردی و اجتماعی به عنوان عوامل تاثیرگذار بر حس تعلق در نظر گرفته شده بود با دو فلش به میزان حس تعلق متصل شدند.

جدول شماره ۳: عوامل و شاخص‌های موجود در پرسشنامه

عوامل	شاخص‌ها
عوامل فردی و اجتماعی	میزان تمایل افراد به شرکت در انتخابات شورای شهر و میزان رضایت از آن
	سنجش میزان تمایل به شرکت در فعالیت‌های شهری یا محله خود
	سنجش میزان تاثیر گذاری نظر شهروندان بر روند تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی شهری از نظر خود شهروندان
عوامل ادراکی و بصری	سنجش میزان علاقه به سیمای ظاهری میدان فلسطین و تمایل برای تغییر یا عدم تغییر آن

منبع: نگارنده، ۱۴۰۰

طبق مبانی نظری، در مجموع ۹ سوال اصلی در پرسشنامه مطرح شده که به طور کلی در دو گروه عوامل فردی و اجتماعی و گروه عوامل ادراکی و بصری قرار می‌گیرند. در این پرسشنامه به طور کلی برای هر گروه شاخص‌های معینی در نظر گرفته شده که این شاخص‌ها در جدول بالا ارائه گردیدند.

۵- معرفی محدوده پژوهش

نام میدان فلسطین در گذشته میدان "کاخ" نام داشته است. سپس بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به میدان فلسطین تغییر نام داده شد. یکی از المان‌های شهری در این میدان مسجد امام صادق است که زینت و گنج بری این مسجد منطبق بر آثار مذهبی قرون گذشته اصفهان است. مسجد امام صادق با داشتن پارکینگ مناسب و فضای باز جلوی مسجد، محیطی برای برگزاری مراسمات مذهبی و خدمات ترحیم است. مسجد امام صادق که در سال ۱۳۸۶ افتتاح شد در ضلع جنوب غربی این میدان قرار دارد. این میدان در شهر تهران، واقع در جنوب منطقه ۶ می‌باشد که در مرکز شهر و در نزدیکی پارک لاله قرار گرفته است.

بر اساس آخرین سرشماری رسمی در سال ۱۳۹۵ جمعیت منطقه ۲۵۰۷۵۳ نفر در قالب ۸۴۸۹۶ خانوار شمارش شده که ۲۰۹ درصد از جمعیت شهر تهران را در خود جای داده است.

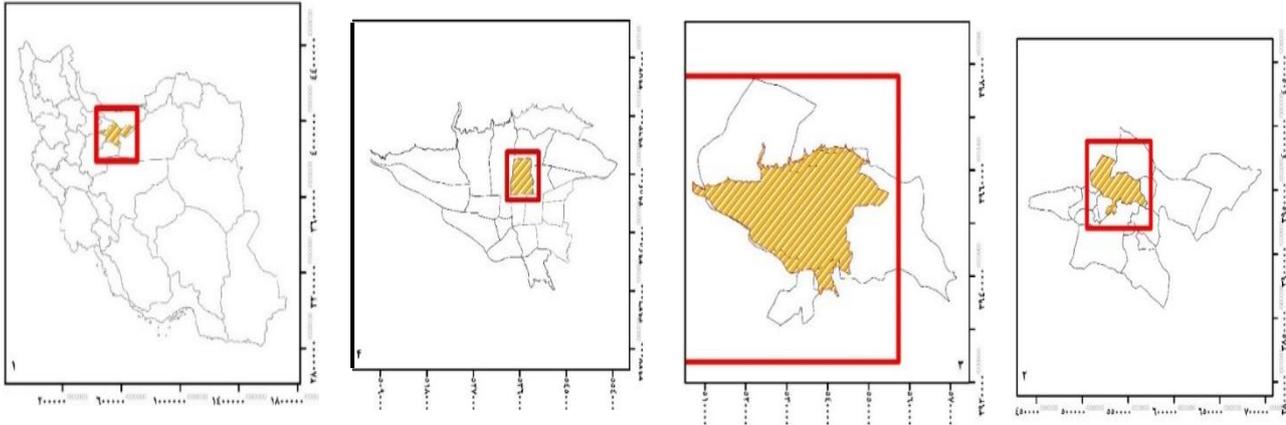
با توجه به شاخص‌های بررسی شده و همچنین سوالات درج شده مطابق با آن در پرسشنامه برای شناخت وضع موجود در رابطه با میزان تمایل به شرکت در انتخابات شورای شهر ۴۴/۱٪ از پاسخ دهندگان به این پرسش میزان تمایل خیلی کمی داشته‌اند. در مورد میزان تاثیرات انتخاب شما در شکل‌گیری سیایت گذاری های شهری و حله مورد سکونت خود ۳۸/۷٪ از پاسخ دهندگان به این مورد خیلی کم را ننتخاب کرده بودند. در رابطه با میزان اطلاع از سیایت های تصویب و اجرا شده در محله زندگی خود ۴۵/۲٪ میزان آگاهی خیلی کمی را داشتند. بررسی میزان تمایل به ادامه سکونت در این محله را دارید یا خیر با ۳۰/۱٪ تمایل متوسطی را داشته‌اند.

در بررسی میزان علاقه برای مشارکت در برنامه ریزی های محله ساکنین با ۲۹٪ و ۲۵/۸٪ به ترتیب تمایل خیلی کم و کمی داشتند. و همچنین در بررسی میزان علاقه ساکنین به سیمای ظاهری میدان فلسطین با ۲۹٪ و ۲۸/۵٪ به ترتیب کم و خیلی کم نسبت به سیمای ظاهری داشتند.

این محدوده به طور کلی دارای کاربری قالب مسکونی است که قدمت اکثر آن‌ها بالای ۳۰ سال است. این اعداد به این معنی است که حس اکثر ساکنین با محله خود، پایدارتر و قابل اطمینان‌تر از رابطه افراد با محیط کاری خود است زیرا همواره نسبت به محل زندگی شناخت و پیوند بیشتری در شهروندان وجود دارد. این امر هم در پاسخ‌های پرسشنامه

نتیجه مثبتی خواهد داشت و هم با ایجاد امکان مشارکت عمومی افراد محله در کیفیت راهبردهای آینده برای محله موثر خواهد بود.

نقشه موقعیت محدوده



مأخذ: (نگارنده، ۱۴۰۰)

۶- بحث و یافته ها

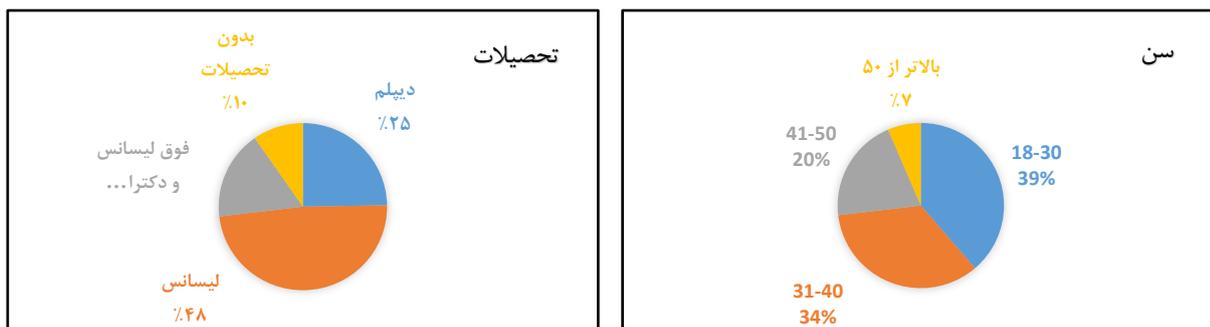
با توجه به اینکه جمعیت نمونه مورد مطالعه برابر با ۲۷۴۰ نفر بود طبق فرمول کوکران نیاز به ۹۳ پرسشنامه بود. برای ۹ سوال اصلی که محور اصلی تحلیل را تشکیل می‌دهند ۵ گزینه خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم مشخص شده و برای سوالات دیگر مانند سن، جنس، مدت سکونت و... طبق هر سوال گزینه‌های متناسب گذاشته شده است. در این پرسشنامه ۵۵٪ پاسخ دهندگان زن و ۴۵٪ پاسخ دهندگان مرد بودند.

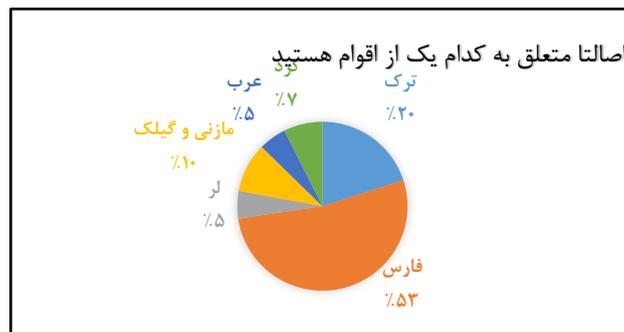
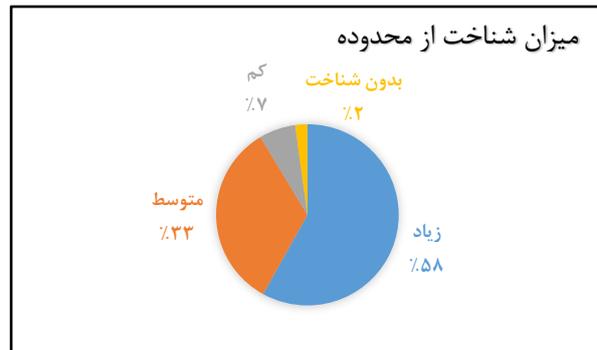
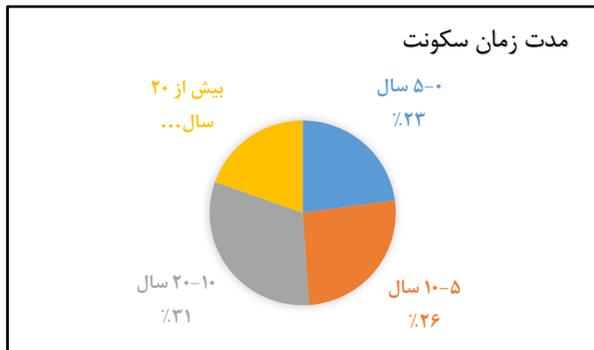
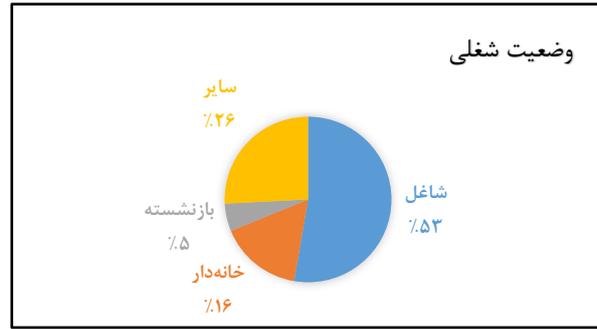
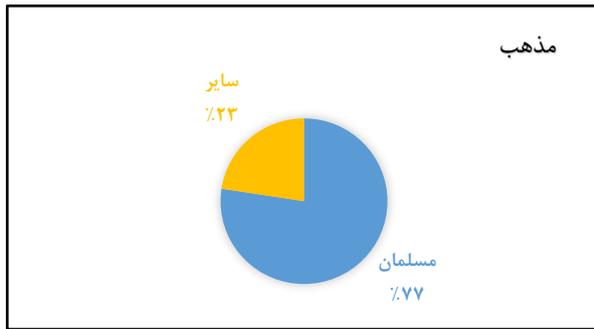
با توجه به شاخص‌های بررسی شده و همچنین سوالات درج شده مطابق با آن در پرسشنامه برای شناخت وضع موجود در رابطه با میزان تمایل به شرکت در انتخابات شورای شهر ۴۴/۱٪ از پاسخ دهندگان به این پرسش میزان تمایل خیلی کمی داشته‌اند. در مورد میزان تاثیرات انتخاب شما در شکل‌گیری سیاحت‌گذاری‌های شهری و محله مورد سکونت خود ۳۸/۷٪ از پاسخ دهندگان به این مورد خیلی کم را انتخاب کرده بودند. در رابطه با میزان اطلاع از سیاحت‌های تصویب و اجرا شده در محله زندگی خود ۴۵/۲٪ میزان آگاهی خیلی کمی را داشتند. بررسی میزان تمایل به ادامه سکونت در این محله را دارید یا خیر با ۳۰/۱٪ تمایل متوسطی را داشته‌اند.

در بررسی میزان علاقه برای مشارکت در برنامه ریزی‌های محله ساکنین با ۲۹٪ و ۲۵/۸٪ به ترتیب تمایل خیلی کم و کمی داشتند و همچنین در بررسی میزان علاقه ساکنین به سیمای ظاهری میدان فلسطین با ۲۹٪ و ۲۸/۵٪ به ترتیب کم و خیلی کم نسبت به سیمای ظاهری داشتند.

در زیر نمودارهای مرتبط با پرسشنامه جهت آشنایی بیشتر با جامعه آماری آورده شده است.

۶-۱- نمودارهای مشخصات جامعه آماری





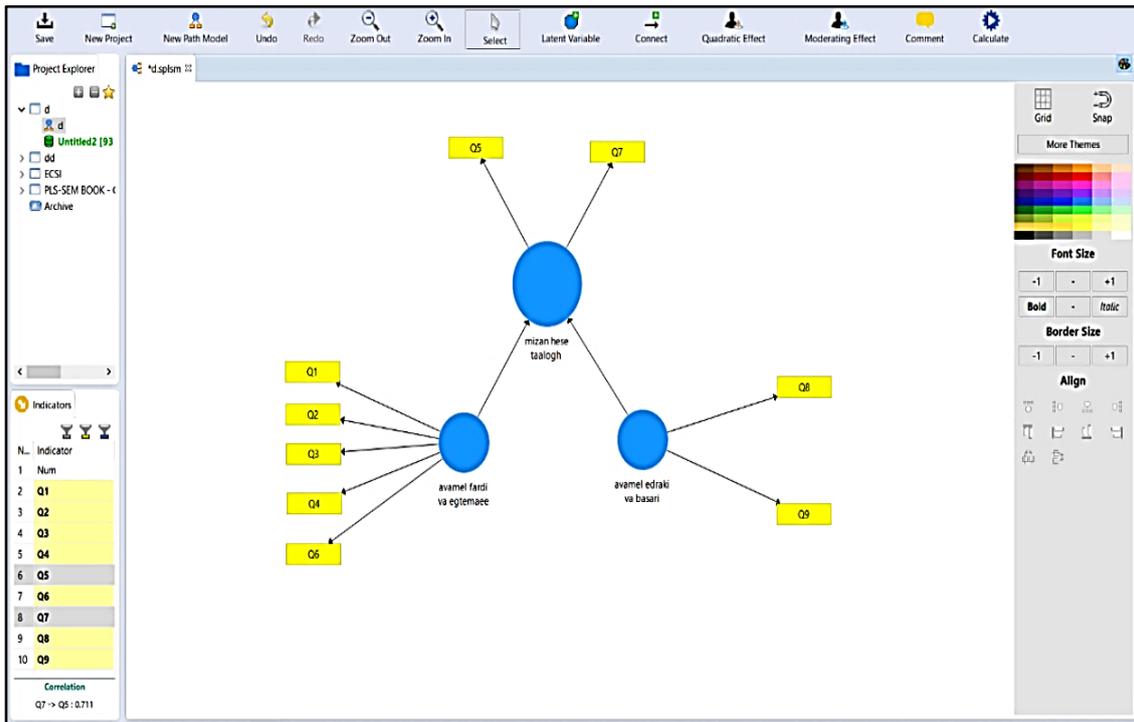
ماخذ: (یافته های پژوهش، ۱۴۰۰)

پس از بررسی سوالات عمومی و نتایج آن به سراغ بررسی سوالات محوری می رویم. سوال اول در رابطه با میزان تمایل به شرکت در انتخابات شورای شهر بود. سوال دوم، معتقدید تا چه میزان انتخاب شما بر سیاست های گذاری های محله یا منطقه سکونت خود تاثیر می گذارد؟ سوال سوم، چه میزان از سیاست های اجرا یا تصویب شده توسط مقامات در رابطه با محل زندگی خود مطلع هستید؟ سوال چهارم، اگر ساکنین میدان فلسطین یا نواحی اطراف آن هستید، تا چه میزان به ادامه سکونت در این محله مایلید؟ سوال پنجم، چقدر به این محل احساس تعلق و هویت دارید؟ سوال ششم، چقدر تمایل دارید در برنامه ریزی های محله یا منطقه خود شرکت کنید؟ سوال هفتم، هویت میدان فلسطین را چقدر با هویت خود مطابق و یکسان می بینید؟ سوال هشتم، میزان علاقه ی شما به سیمای ظاهری میدان فلسطین چقدر است؟ سوال نهم، چقدر تمایل دارید تا المان ها و نماد های میدان فلسطین تغییر شکل دهند؟

۶-۲- تحلیل با نرم افزار SmartPLS

پس از وارد کردن داده ها (نتایج بدست آمده از پاسخ های ساکنین در پرسشنامه های ۹۳ گانه که به صورت تفکیک شده در پنج دسته تقسیم بندی گردیدند). به نرم افزار SmartPLS، نمودار داده ها به شکل زیر در می آید که در آن هر سوال با نماد Q نام گذاری شده است.

تصویر شماره ۱، نتایج اولیه داده‌ها در محیط smartPLS

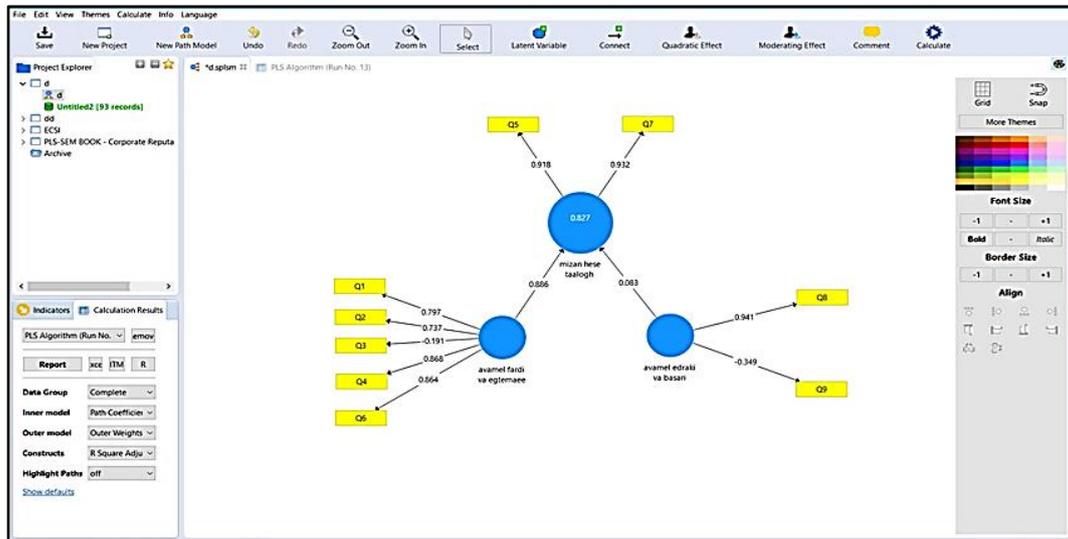


منبع: نگارنده، ۱۴۰۰

پس از تحلیل شکل خام اولیه، خروجی نمایش داده شده به صورت شکل زیر بود که در آن ضرایب رگرسیون به صورت دو عدد 0.083 برای رابطه عوامل ادراکی و بصری و 0.886 برای میزان حس تعلق، نمایش داده شد. این اعداد میزان تاثیر هر عامل را بر تعیین حس تعلق، مطابق با پاسخ‌های پرسشنامه نمایش می‌دهند. این اعداد هرچه به یک نزدیک‌تر باشند نشان از تاثیر بیشتر و قوی‌تر دارند و هرچه به صفر نزدیک‌تر باشند نشان از معنی‌دار نبودن تاثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته است. طبق این تحلیل، میزان تمایل به ادامه سکونت در میدان فلسطین با میزان حس تعلق افراد رابطه‌ای معنی‌دار و همبستگی قوی دارد و عوامل ادراکی و بصری (که شامل میزان علاقه به سیمای ظاهری میدان فلسطین و تمایل به تغییر شکل آن بود) ارتباط ضعیفی با فاکتور حس تعلق داشت.

در مرحله بعد تحلیل اعدادی است که بین دایره‌های آبی و مستطیل‌ها نمایش داده شده که بار عاملی نام دارد. بار عاملی مقدار عددی است که میزان شدت رابطه میان یک متغیر پنهان و متغیر آشکار مربوطه را طی فرآیند تحلیل مسیر مشخص می‌کند. هرچه مقدار بار عاملی یک شاخص در رابطه با یک سازه مشخص بیشتر باشد، آن شاخص سهم بیشتری در تبیین آن سازه ایفا می‌کند. همچنین اگر بار عاملی یک شاخص منفی باشد، نشان دهنده تاثیر منفی آن در تبیین سازه مربوطه می‌باشد. به بیان دیگر سوال مربوط به آن شاخص به صورت معکوس طراحی شده است. عدد داخل دایره به این معنی است که متغیرهای عوامل ادراکی و بصری و عوامل فردی و اجتماعی می‌توانند 82.4 درصد از واریانس متغیر میزان حس تعلق را تبیین کنند. این عدد هرچه به یک نزدیک‌تر باشد دقت اندازه‌گیری آن بیشتر است.

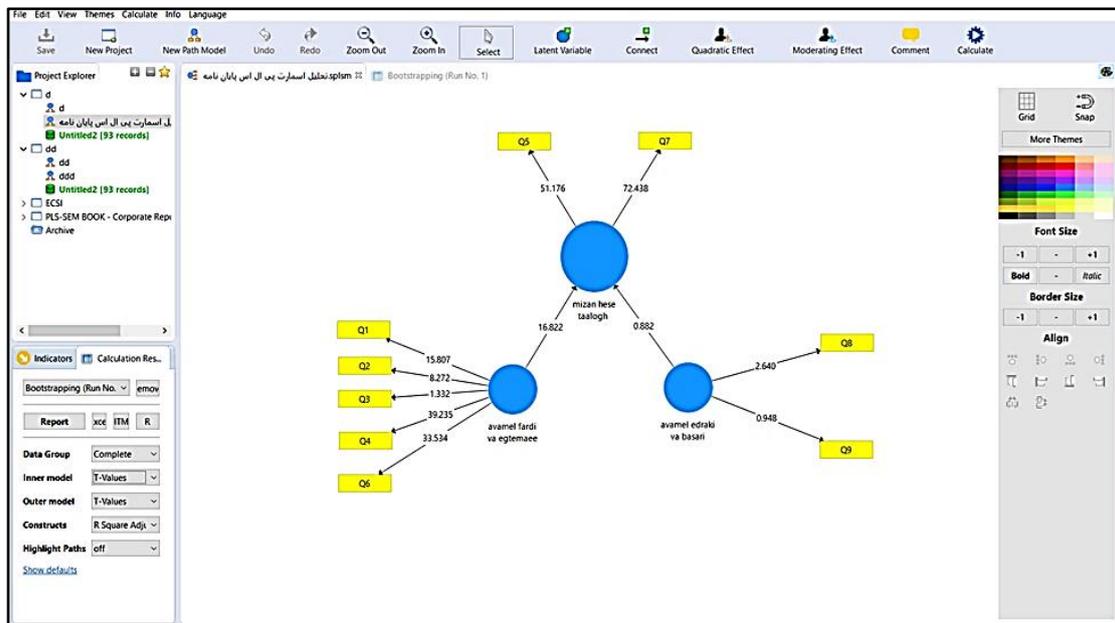
تصویر شماره ۲، تحلیل داده‌ها در smartPLS



منبع: نگارنده، ۱۴۰۰

در ادامه رابطه متغیرها برحسب T values نشان داده می‌شود. اگر اعداد بین هر دایره بالای ۱.۹۶ باشد نشان از معنی دار بودن یک رابطه در سطح خطای پنج درصد است. طبق این نتیجه تاثیر عوامل فردی و اجتماعی بر روی حس تعلق تایید می‌شود و عوامل ادراکی و بصری که به رابطه دید افراد به مسائل بصری میدان فلسطین و حس تعلق به محل سکونت را بررسی می‌کرد، رد می‌شود. یعنی رابطه‌ی معنی داری بین قضاوت زیبایی شناختی از میدان فلسطین و میزان حس تعلق به محل سکونت وجود ندارد اما رابطه معنی داری بین میزان تمایل به شرکت در تصمیم‌گیری در محله و شهر و نظرات شهروندان در مورد سیاست‌های شهر و محله خود با میزان حس تعلق به محله وجود دارد.

تصویر شماره ۳، محاسبه ضریب T



منبع: نگارنده، ۱۴۰۰

۷- نتیجه گیری

بین فرد و محیط زندگی اش ارتباط و احساس تعلق خاطر به وجود نخواهد آمد مگر آنکه قادر به شناخت عمیق محیط و تشخیص آن بوده و توان درک تمایز آن نسبت به محیط های دیگر را نیز داشته باشد و بداند در چه زمانی و به چه صورتی پاسخ مناسبی به کنش های انجام یافته در آن محیط بدهد. همانطور که دیوید هاروی در مقاله «حق به شهر» اشاره می کند «حق به شهر، حق تغییر دادن خودمان از طریق تغییر دادن شهر است» (هاوری، دیوید. ۲۰۰۸: ۱۴) در این گزاره رابطه ای بین انسان و محیط برقرار می شود و رابطه را از محوریت انسان خارج می کند یعنی این تنها انسان نیست که محیط را شکل می دهد بلکه خود محیط نیز در شکل دهی به انسان نقش دارد.

دستیابی به هویت اسلامی اگر بخواهد با قانون و ضابطه شکل گیرد و بخواهد با استناد به مفاهیمی چون خوانایی، تمایز با غیر، تشابه با خود، تداوم در عین تحول، وحدت و ... شکل بگیرد، شاید ماکت زیبایی از شهرهای اسلامی منطق با ذهنیت سیاحان یا مطابق کاشان و یزد دوره قاجار ارائه دهد، اما ممکن است اشتباهی را مرتکب شود که منشور آتن متوجه آن بود. (معماران و شهرسازان تصمیم بگیرند تا مردم چگونه زندگی کنند.) اما اگر وحدت فکری منطبق با مبانی نظری و حکمت اسلامی در ذهنیت و عمل تمام افراد جامعه (بالاخص عامه مردم) حاکم شود (این امر نیازمند زیرساخت های فرهنگی است) و معماران و شهرسازان، ساختار کالبدی شهر را منطبق با نیازهای مسلمین، نمادها و نشانه ها، زیبایی، فعالیت های انسانی و زندگی اجتماعی مسلمانان ساخته و طراحی کنند، شهر اسلامی معنا پیدا می کند.

در مقام مقایسه ی این پژوهش با سایر پژوهش های انجام شده در این زمینه می توان اذعان کرد که دیگران بر سویه های کالبدی تاثیر هویت اسلامی بر فضای شهری و محلات تمرکز داشته اند و افرادی مثل نقره کار به اثرات ناشی از حکومت اسلامی در هنر و تاثیر پذیرفتن از آن اشاره می کند. اما این پژوهش با اثبات ارتباط معنا دار رابطه عوامل فردی و اجتماعی در میزان حس تعلق در میدان فلسطین، سویه های پنهان دیگر این اثر گذاری در شهر اسلامی را ارائه می کند.

پژوهش بر این فرض استوار بود که هویت شهروندان بسته به موقعیت اجتماعی آن ها متفاوت است و هیچ هویت واحد شهری نمی تواند نقش بازنمایی کامل تمام شهروندان را ایفا کند، از این رو هویت های واحد چه از لحاظ تئوریک و چه در عمل با فقدان دموکراسی شهری و برنامه ریزی شهری غیر دموکراتیک و از بالا قابلیت حیات دارند. از طرف دیگر سعی شد نشان داده شود که فقدان فضایی برای بازنمایی هویت های مختلف شهروندان باعث از بین رفتن حس تعلق آنان و در آینده باعث وجود مشکلاتی مانند وندالیسم در شهر می گردد. از این مجموعه مقدمات که به طور خلاصه مطرح شد دو سوال مطرح شد که عبارت بودند از:

الف) آیا سیاست های هویت واحد شهری مانند هویت اسلامی، حس تعلق شهروندان را کمرنگ می کند؟

ب) چگونه می توان آلترناتیو و راهکاری برای حذف همسان سازی و تولید فضا به دور از طرح های کلان مانند هویت اسلامی، توسط خود کنشگران پیدا کرد؟

که این سوالات در قالب هدفی مطرح شد. این هدف در سطح کلان عبارت بود از نشان دادن رابطه حس تعلق با روابط و عوامل اجتماعی که فضا را شکل می دهند و بررسی ماهیت این روابط اجتماعی و قدرت شکل دهنده آن ها. همینطور اهداف ویژه این پژوهش شامل دو هدف زیر بود:

- مشخص کردن رابطه سیاست هویت اسلامی در شهر و میزان حس تعلق به فضا

- تعیین راهکار برای افزایش حس تعلق بدون استفاده از طرح های هویت شهری واحد

هدف ویژه از دو طریق به انجام رسید، ابتدا با تکمیل جنبه تئوریک و دوم با تکمیل جنبه عملی و پژوهشی آن که حاصل

آن در قالب تحلیل انجام گردید.

این پژوهش نشان داد که برای ایجاد حس تعلق در میان ساکنین محله میدان فلسطین تهران، بیش تر از عوامل ادراکی و بصری که ریشه در هویت تاریخی و اسلامی آن دارد، عوامل فردی و اجتماعی، نظیر مشارکت در سطوح مختلف برای

برنامه ریزی و تصمیم گیری درباره محله خود بر حس تعلق مکانی مردم تاثیر می گذارند. در ادامه به سوالات پژوهش به صورت عمیق و ریشه ای پاسخ داده می شود و راهکار هایی ارائه می گردد.

۷-۱- پاسخ به سوالات پژوهش

اولین سوال مطرح شده در این پژوهش این بود که «آیا سیاست های هویت شهری واحد، حس تعلق شهروندان را کم رنگ می کند؟»، این سوال در دل خود دو بعد را در نظر گرفته:

الف) بعد طراحی زیبایی شناختی که کم شدن حس تعلق را به فاصله درک زیبایی شناختی شهروندان از فضای شهری مرتبط می داند که طبق پرسشنامه این پژوهش در محدوده مورد نظر، این رابطه وجود ندارد.

ب) بعد برنامه ریزی: که در واژه «سیاست ها» گنجانده شده و کم یا زیاد شدن حس تعلق را مربوط به فاصله شهروندان از روند برنامه ریزی و تصمیم گیری میداند که طبق خروجی گرفته شده، رابطه معنی داری بین این دو موجود است.

بنابراین به دلیل عدم وجود رابطه معنادار در بعد اول، تمرکز و توجه به بعد برنامه ریزی معطوف می گردد. اما در بعد دوم با توجه به رابطه بین فاصله مردم از فرآیند برنامه ریزی و غیردموکراتیک بودن آن و میزان حس تعلق آن ها، می توان ادعان کرد که در صورتی که سلايق، نظرات و منافع افراد و طبقات جامعه یکسان نباشد، ارائه برنامه کلی و واحد به ناچار گروهی را از روند برنامه ریزی دور کرده و باعث کم رنگ شدن حس تعلق شهروندان می شود. با فرض اینکه جامعه و شهر تشکیل شده از سلايق، نظرات و منافع گوناگون است پاسخ به پرسش اول مثبت است.

اما در پاسخ به سوال دوم، در ارتباط با حذف یکسان سازی و تولید فضای تک قطبی برای افزایش میزان حس تعلق که ارتباط معنا دار و مستقیمی با آن نیز دارد، با اشاره به تجربه ی برنامه ریزی و ساختار مدیریتی منطقه شهری آتلانتا، بایستی کردار ها و پرکتیس های شهری ای که از درون نهاد های مردمی (محلی) و یا رسمی که از بالا به پایین اعمال می گردد، در جهت توجه به جلب رضایت ساکنین و حفظ تعامل و مشارکت هر چه بیشتر آن ها در تصمیم گیری در مورد محل سکونت خودشان باشد و نه به سرانجام رساندن پروژه هایی که در اغلب موارد جز خودنمایی های سیاسی و به تاراج بردن بودجه ی کشور و مردم، تاثیری در کیفیت زندگی مردم ندارد. در حقیقت می توان نتیجه گرفت که عوامل فردی و اجتماعی که ارتباط مستقیمی با میزان حس تعلق دارد، به عنوان یک سیاست، موجودیت خود را در دخالت و تعامل با جریان های تصمیم گیرنده ی بالاتر از خود دانسته و برای از تعدیل اختلافاتی که ناشی از سلايق و نظرات مختلف در جامعه وجود دارد، بایستی مشارکت به شکل فراگیر صورت پذیرد. لازم به ذکر است، این مشارکت به معنای حل شدن تمام یا اغلب مشکلات و معضلات ساکنین نبوده، اما همین ورود کردن در فرآیند برنامه ریزی هر چند بدون نتیجه ی مطلوب، سبب ایجاد و یا افزایش میزان حس تعلق در میان ساکنین می گردد. در ذیل برخی از راهکار هایی که سبب مشارکت بیش تر افراد در روند تصمیم سازی و برنامه ریزی در محله می شود، مطرح می گردد:

- ۱) ایجاد گروه های تعاملی در فضای مجازی و مدیریت گروه توسط خود ساکنین و اخذ نظرات دیگران طریق از برگذاری نظرسنجی.
- ۲) برگزاری جلسات حضوری عمومی بین ذی نفعان با هماهنگی های صورت گرفته در فضای مجازی به جهت آشنایی هر چه بیشتر با پرکتیس های تعاملی و حفظ دغدغه مندی بین ساکنین در مورد مسائل روزمره شهری.
- ۳) انتخاب مسائل با الویت بیشتر از طریق نظرسنجی و رای گیری بین ساکنین و همچنین انتخاب چند مسئول از میان خود برای مطرح کردن نظرات با نهاد های بالادستی و همچنین ترتیب جلسات رسمی با آن ها.
- ۴) حفظ و افزایش ارتباطات بین ساکنین و مسئولین به صورت مداوم از طریق واگذاری نقش ها و مسئولیت های متنوع هر محله به ساکنین دارای صلاحیت.
- ۵) ایجاد یک گروه دیگر از میان ساکنین برای پالایش نیاز ها و مشکلات جدید و کنترل میزان وفاق به اهداف و خواسته های ساکنین. دیگر نقش مهم این گروه به عنوان مرکز فرماندهی و راهبری دیگر اعضا و شهروندان می باشد. به عنوان حسن ختام این پژوهش، همه ی این راهکار ها که برای افزایش میزان مشارکت و در نهایت حس تعلق می باشد، مستلزم رسیدن خود ساکنین به این آگاهی بوده که با انگیزه و اراده ی خود، اتحادی را شکل دهند و سازماندهی

کنند تا بتوانند نطفه‌ی مشارکت‌های آتی را در خود و در جامعه به وجود بیاورند. همچنین ساکنین باید به این موضوع واقف باشند که این انگیزه‌ی اولیه به دست نمی‌آید مگر اینکه نتیجه‌ای از این همفکری و مشارکت خود را در عمل ببینند. در نتیجه در ابتدا ساکنین باید بدون چشم‌داشت، امید خود را حفظ کرده تا بتوانند به نتیجه‌های ایده‌آل در آینده دست یابند.

۸- منابع:

۱. حبیبی، محسن (۱۳۹۰). از شار تا شهر. انتشارات دانشگاه تهران
۲. آلتوسر، لویی، (۱۹۶۹). علم و ایدئولوژی. ترجمه مجید مددی. انتشارات نیلوفر
۳. جوان‌فروزنده، علی. مطلبی، قاسم (۱۳۹۰)، مفهوم حس‌تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، مجله هویت شهر. شماره هشتم، سال پنجم، ص ۲۷-۳۷
۴. بهزادفر، مصطفی. ۱۳۸۷. هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران). مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران. مؤسسه نشر شهر. چاپ دوم. تهران.
۵. ایمانیان، مهدی. (۱۳۹۰). منظر شهری و هویت شهر (نمونه موردی شهر پاکدشت). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
۶. گاتدینر، مارک. (۱۹۹۳). مارکس زمان ما: هانری لوفور و تولید فضا. ترجمه آیدین ترکمه، انتشارات تیسرا
۷. قرایی، فریبا. آرام، فرشید. (۱۳۹۳) نقش بازارهای دوره‌ای در هویت بخشی به محلات/مراکز محله و افزایش حس تعلق ساکنین مطالعه موردی بازارهای روز شهر همدان، اولین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی، تهران.
۸. رضویان، محمد تقی و همکاران. (۱۳۹۳). ارزیابی هویت محله‌های شهری با سنجش حس تعلق به مکان. پژوهش‌های دانش زمین، شماره ۱۸، ص ۲۷-۳۷
۹. فرج‌زاده، اسکویی، نوشین (۱۳۹۴). طراحی شهری با رویکرد تقویت دلبستگی به مکان، محله مقصودیه تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
۱۰. دکتر رحیم، سرور. (۱۳۹۴) جزوه جمع‌بندی مباحث مطروحه کلاسی درس بنیادهای نظری شهر اسلامی. دانشگاه آزاد اسلامی
۱۱. نوفل، علی‌رضا. کلبادی، پارسین. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸)، بررسی و ارزیابی شاخص‌های موثر در هویت شهری (محله جلفای اصفهان)، مجله آرمانشهر، شماره ۳.
۱۲. فرجامی، محمدرضا. (۱۳۸۳). ابعاد هویت شهری، مجموعه مقالات همایش مسائل شهرسازی، ساخت کالبدی شهر، جلد اول
۱۳. آژانس عکس تهران، (۱۳۹۹). www.tehranpicture.ir
۱۴. فرادرس، (۱۳۹۹). www.blog.faradars.org/cronbach-alpha
۱۵. شهردار منطقه ۶ تهران، (۱۳۹۹). www.region6.tehran.ir

1. Inglis, tom. (2010). Local belonging, identities and sense of place in contemporary Ireland. Institute for British-Irish Studies University College Dublin
2. Noghrekar, A., & Manan Raeisi, M. (2012). Realization Of Islamic Identity In Architectural Works. JOURNAL OF STUDIES ON IRANIAN ISLAMIC CITY, -(7), 5-12.
<https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=325956>
3. Siti Norlizaiha Harun, Zuraini Md Ali, Rodiah Zawawi. (2011), The Changing Image and Identity Of KOTA BHARU, KELANTAN, MALAYSIA: From Cultural City To Islamic City, International Journal of Social Planning and Development, Volume 1, pg: 75-80, UiTM Perak.
4. Rahnama, Mohammad Rahim, Vafaei, Mahdi, Samadi, Reza, (2015), **Expression of Islamic identity in the design of new neighborhoods on the basis of Islamic components** Case Study: West Emamieh neighborhood of Mashhad, Journal of Baghe Nazar, Volume 13, page 51-62

5. Pourjafar, M. R & Pourjafar, A. (2012). The proposed model neighborhoods, and public spaces required by the central mosque in the city of Iranian-Islamic. Journal of Scientific Studies in Islamic Iran, (10): 15-24.
6. yerli, ozgur. 2018. An environmental problem: Vandalism.
7. Sabz Alizade, (2016), The analysis of sense of belonging to place and its relation within urban identity in new districts and old districts (sample case: naderi district of Ardabil, uchdockan district of Ardabil), International Journal of Humanities and Cultural Studies ISSN 2356-5926
8. Knox, Paul, and Steven Pinch. 2009. Urban Social Geography: An Introduction. Prentice Hall, Harlow.
9. Harvey, D. (2012). The right to the city. In The Urban Sociology Reader (pp. 443-446). Routledge.
10. https://www.smartpls.ir/index_files/SmartPlsStructuralEquationModeling.htm